



## تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام مرتضی اسدیان	جلسه	۴۶	تاریخ	۱۴۰۰/۱۰/۰۷
عنوان اصلی درس	نماز مسافر				

### الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین.

بحث ما در فرع خامس بود، از فروع مربوط به کسی که با قصد مسافت از وطن خارج شده و پس از خروج از نیت سفر به مسافت برمی گردد.

**فرع پنجم این بود** که اگر با قصد مسافت خارج شد ولی از ابتدا قصد داشت در وطن یا در جایی که قصد اقامه ده روز دارد توقف کند گفتیم در اینجا چند فرض وجود دارد:

**فرض اول:** از اول قصد دارد در وطن دوم اش در وسط راه سری به وطن دوم خود بزند و بعد به مقصد که مسافت هشت فرسخی است برود؛ گفتیم بلاشک اگر قبل رسیدن به مسافت در وطن اش توقف کند در این صورت وظیفه او تمام است زرا وجوب تقصیر مخصوص کسی است که هشت فرسخ برود و او به هشت فرسخ نرفته.

**فرض دوم:** این بود که از وطن به قصد هشت فرسخی خارج شود اما در میانه راه قصد اقامه ده روزه کند. گفتیم حکم معلوم است که باید تمام بخواند.

**لکن بحث این است که: وجوب تمام بر او به چه دلیل است؟**

**یعنی آیا چون مسافر نیست باید تمام بخواند [خروج موضوعی از تحت حکم یجب التقصیر (تخصیصاً)]؟**

**یا مسافر است اما تکلیف او تقصیر نیست [خروج حکمی از تحت یجب التقصیر (تخصیصاً)]؟**

و این سؤال برای هر شخصی که به صورت مطلق قصد دهه نماید جاری می شود که خروج او از تحت حکم یجب التقصیر تخصیصی است [اصلاً مسافر نیست] یا تخصیصی است [حکم از او برداشته شده و مسافر است]؟

ثمره این سؤال این است که اگر پس از قصد دهه در یک مکانی اگر پس از قصد دهه از آن مکان خارج شود به قصد جایی که در آنجا شب بخوابد و مسافت نیست اگر قائل شویم این شخص اصلاً مسافر نیست و موضوعاً خارج شده از حکم مسافر و مثل کسی است که در وطن خود است در این صورت نماز او تمام خواهد بود اما اگر گفتیم تخصیصی است یعنی مسافر است ولی چون قاصد اقامت بود حکم او تمام بود لذا چون در محل جدید قصد اقامت نداشته باید نماز را شکسته بخواند البته ثمرات دیگری نیز دارد اما اینجا ثمره اش این است.

منشأ طرح مسأله خروج حکمی و موضوعی روایتی است که توضیح دادیم دیروز اما عبارت آن این است که:

«وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَنْ قَدِمَ قَبْلَ التَّروِيَةِ بِعَشْرَةِ أَيَّامٍ وَجَبَ عَلَيْهِ إِيْتَامُ الصَّلَاةِ وَهُوَ بِمَنْزِلَةِ أَهْلِ مَكَّةَ - فَإِذَا خَرَجَ إِلَى مَنًى وَجَبَ عَلَيْهِ التَّقْصِيرُ فَإِذَا زَارَ الْبَيْتَ أَتَمَّ الصَّلَاةَ وَ عَلَيْهِ إِيْتَامُ الصَّلَاةِ إِذَا رَجَعَ إِلَى مَنًى حَتَّى يَنْفِرَ»<sup>۱</sup>؛

کسی قبل از یوم الترویة که روز هشتم ماه ذی الحجة است که حاجی‌ها آماده رفتن به عرفات می‌شوند که وقوف در عرفات از ظهر روز نهم تا غروب روز نهم از ارکان حج است بعد می‌روند مشعر که مبیت در آن از ارکان حج است؛ می‌فرماید کسی که قبل از یوم الترویة ده روز در مکه مانده یعنی قصد دهه دارد؛ تمام خواندن بر او واجب است و در دلیل آن می‌فرماید و او به منزله اهل مکه است یعنی حالت مسافر ندارد و خروج موضوعی دارد از حکم مسافر، نه اینکه مسافری است که در مکه اقامت نموده است؛ و حکم او حکم اهل مکه است از جمله اینکه پس اگر این شخص خرج الی منا یعنی حاجی‌ها معمولاً وقتی از مکه خارج می‌شوند به قصد عرفات ابتدا از منا می‌گذرند و هم در منا و هم در عرفات باید تقصیر کند [نماز شکسته بخواند] زیرا قصد عرفات دارد که قصد مسافت هشت فرسخی است و رفت و برگشت آن هشت فرسخ است پس رفت منا و بعد عرفات و وقوف در مشعر هم انجام داد و حالا می‌خواهد برگردد به خانه کعبه در این صورت اگر برگشت به مکه باید نماز را تمام بخواند حتی اگر بخواند باز هم برگردد به منا تا باقی اعمال مانند رمی جمرات و... را انجام دهد؛ به این جهت که مکه دیگر وطن اوست و دیگر تخصصاً از حکم مسافر در مکه خارج شده است؛ و چون مسافر نیست حکم مسافر هم ندارد که نماز او شکسته باشد.

### اشکال بر تقریب به روایت

ولی این استدلال باطل است یعنی هم استدلال به این روایت برای اثبات «خصوص این حکم برای کسی که قصد دهه در مکه می‌کند» و همچنین باطل است در «تعمیم این مطلب به سایر موارد قصد اقامت ده روز»؛ به این جهت که: **اولاً:** این روایت در خصوص کسی که قصد اقامت ده روزه در مکه می‌نماید وارد شده و بر فرض صحت روایت دیگر نمی‌توان از دایره مورد روایت متعددی شده و تعدی کنیم به کل من قصد اقامة عشرة ایام.

اما با صرف نظر از این اشکال می‌گوییم:

**ثانیاً:** اساساً این ادعا که این روایت در مقام اثبات این معناست که کسی که ده روز در مکه یا در هر کجا اقامت می‌کند موضوعاً مسافر نیست، این استدلال غلط است به چند دلیل:

۱. این نوع اثبات تصرف، اثبات تصرف در موضوع حکم شرعی نیاز به صراحت دارد یعنی دلیل باید صریح بر این تصرف باشد، اما این صراحت در اینجا وجود ندارد.

۲. این امر در روایت با توجه به قرائنه موجوده تقیه مداراتی است که حضرت عليه السلام می‌فرمایند اگر مکه آمدید تمام بخوانید و از مکه هم که منا می‌روید باز هم تمام بخوانید که فیه وجه وجیه.

**بنابراین به عقیده ما این روایت نمی‌تواند دلالت بر این داشته باشد که خروج قاصد عشرة ایام از حکم وجوب تقصیر خروج موضوعی است.**

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ